



نابرابری اجتماعی: چالش سیاست علم و فناوری

زهرا ابوالحسنی^۱، شعبان الهی^۲

دانشگاه تربیت مدرس، zh.abolhasani@gmail.com

دانشگاه تربیت مدرس، elahi@modares.ac.ir

چکیده

در سال‌هایی که چندین دور، تصور می‌شد که دستیابی به علم و فناوری و رشد اقتصادی به معنی از بین رفتن فقر و نابرابری در جامعه خواهد بود و عموم دانشمندان معتقد بودند که توسعه اجتماعی به تبع توسعه اقتصادی به وقوع می‌پیوندد. این رویکرد به نقش علم و فناوری باعث توجه زیادی به گسترش مفاهیم مربوط به نقش علم و فناوری در توسعه اقتصادی در حوزه مدیریت و خط مشی گذاری علم فناوری، به عنوان پیشرانی برای توسعه اقتصادی، شده است در حالیکه پژوهش‌های کمتری به بررسی چالش‌های اجتماعی مربوط به این حوزه پرداخته است. این ضعف توجه در حالی روی داده که مساله نابرابری به ویژه برای کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت بسیار می‌باشد. این مقاله در ابتدا به بررسی و ارائه چارچوب‌های موجود برای تحلیل اثرات اجتماعی سیاست‌های علم و فناوری پرداخته و برخی از مهمترین تاثیرات اجتماعی این سیاست‌ها را بیان می‌کند. در ادامه میزان تناسب چارچوب‌های مختلف سیاست علم و فناوری؛ مانند نظام‌های نوآوری و اقتصاد دانش بنیان؛ با اهداف کشورهای در حال توسعه در جهت رفع نابرابری بررسی شده و تلاش می‌شود که با مرور اصلی‌ترین راه‌حل‌های پیشنهادی در حوزه علم و فناوری در جهت کاهش نابرابری و بر مبنای مدل سیستمی خط مشی گذاری، دسته بندی از این سیاست‌ها ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: سیاست علم و فناوری، نابرابری، نوآوری، کشورهای در حال توسعه

^۱ دانشجوی دکتری رشته سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس
^۲ عضو هیأت علمی گروه مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه تربیت مدرس